

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام والمسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا) / جلسه ۲۵

۱۳۹۴ / ۰۶ / ۰۲

■ چند مسئله در مورد غفلت

۱. غفلت را دست کم نگیریم
۲. رعایت اهم و مهم در تمام امور
۳. دشمنان همیشه بیدار
- الف) شیطان
- ب) نفس
- ج) کفار و مستکبران
۴. خداوند همیشه بیدار است
۵. ولی خدا همیشه بیدار است
۶. عالم، عالم بیداری است
۷. محافظان همیشه بیدار
۸. جاذبه‌های دنیوی غفلت‌زا است
۹. دوران جوانی، دوران استثنائی
۱۰. فرصت‌ها همانند ابر می‌گذرد

■ نتیجه‌گیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمده

شدن دارد. روایتی است از حضرت امام صادق (علیه السلام) که: «اگر خداوند چیزی کمتر از اف گفتن سراغ داشت، از آن نهی می‌کرد».[۲] خداوند متعال

از پایین‌ترین حد بی‌احترامی‌ها نهی کرده، تکالیف مراتب بالاتر معلوم است.

اینجا هم همین‌طور است. وقتی که امام (علیه السلام) از حداقل غفلت به خداوند متعال پناه می‌برد، تکلیف مراحل و مراتب بالاتر معلوم است. از حداقل غفلت که «سنه» است که منظور همان چرت یا خواب سبک است، باید به خداوند پناه ببریم.

۱. غفلت را دست‌کم نگیریم

نکته اول اینکه از آثار تخریبی غفلت نباید غفلت کنیم؛ چراکه آثار تخریبی

■ چند مسئله در مورد غفلت

در فهرست آسیب‌های بسیار بزرگ و جدی و آفات فوق‌العاده خطرناکی که در دعای هشتم صحیفه مطرح

شده، رسیدیم به موضوع بسیار مهم غفلت که با تعبیر «وَسِنَّةِ الْغَفْلَةِ»

مورد توجه قرار گرفته است. اینجا هم درست شبیه همان بحث‌ها است

که در ارتباط پدر و مادر داریم که از کمترین میزان بی‌ادبی به پدر و مادر

نهی می‌کند. قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ؛ [۱] به آنها [حتی] اوف

مگو». اف گفتن یعنی وقتی انسان می‌گوید «آه» که حکایت از خسته

وسیعی دارد. طبق نص قرآن کریم هرچه انسان می‌کشد، از غفلت است و هر خیری به انسان می‌رسد، از بیداری و ذکر است. گاهی یک غفلت اندک خسارت‌های بزرگ و سخت‌جبران یا غیرقابل جبران پیش می‌آورد. لذا نباید غفلت را دست‌کم بگیریم. غفلت‌های لحظه‌ای می‌تواند ما را ساقط کند. خیلی طول می‌کشد تا انسان بتواند آثار ضربه‌های غیرقابل جبران یا سخت‌جبران را جبران کند.

غفلت در لحظه‌های حساس مثل غفلت در هیجان‌ها مثلاً در هیجان عاطفی، هیجان غضب یا هیجان شهوت مخصوصاً وقتی که با جوانی و شباب و هم همراه باشد، واقعاً خسارت‌زا است. اگر بخواهیم مثال بزنیم، مانند پیچ‌های خطرناک در ارتفاعات خیلی بلند است که اگر مشغول رانندگی در چنین جاده‌ای باشید، فقط کافی است چند ثانیه‌ای چرت بزنید تا بروید ته دره. هیجان‌های زندگی ما مثل همین عقبه‌ها و پیچ‌های خطرناک‌تر جاده‌ها و دره‌های خیلی عمیق عمل می‌کند. البته اگر خواستید مثال را تکمیل کنید، در همین مثال رانندگی، لازم نیست در پیچ‌های آن‌طوری باشید؛ در جاده‌هایی مثل اتوبان، هیجان، سرعت شما را بالا می‌برد و زمان سرعت اگر انسان چرت بزند، تصادف می‌کند. پس این یک نکته که یادمان باشد شیطان شکارچی لحظه‌های غفلت است و درست در کمین است برای لحظه‌های غفلت. حتی انسان ذاکر نیز

در امان نیست؛ زیرا «سنه غفله» است و یک لحظه غفلت کافی است تا انسان را نابود کند. اگر این غفلت در شرایط خاص باشد که خسارت‌هایش خیلی سنگین می‌شود.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در سحر مشغول مناجات و در سجده و حالت خاصی قرار بودند که گریه شدید داشتند. در آن لحظات خاص این جملات را می‌گویند: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» [۳] حتی چرت زدن نیست، بلکه چشم بهم زدن است؛ یعنی رفت و بازگشت پلک چشم. آن حضرت می‌گوید این مقدار مرا به خودم واگذار نکن.

۲. رعایت اهم و مهم در تمام

امور

انجام مأموریت‌های بزرگ و خطیر نیز انسان در معرض است. خیلی وقت‌ها انسان ممکن است به واسطه اشتغال ذهنی به مأموریت‌های درجه سه و چهار، دچار غفلت از مأموریت‌های اصلی و واجب شود و نسبت به آن اهمال کند. مواظب باشیم اعمال مستحب، پوشش واجب را به خود نگیرد که در این صورت در جریان انجام مأموریت اصلی و بزرگ خود گرفتار غفلت می‌شویم که این، ساقط‌کننده است و از مواردی است که خیلی باید به آن توجه کرد. مثال زیادی هم دارد که من مثال جبهه‌ای را بیان می‌کنم. کسی را کنار یک شیار حساس و خطرناک دیدبان گذاشته‌اند. آنجا را باید مراقبت کند تا نفوذی

اتفاق نیفتد. تصور کنید مأموریت او به او سپرده شده است، چنین پیامدهایی مأموریت ساده‌ای نیست و غفلت او می‌تواند لشکری را در معرض مخاطره بیندازد. این مسئله در منطقه مهران قلاویزان اتفاق افتاد. ناگهان متوجه شدیم همه‌ی بی‌سیم‌ها دارند هشدار می‌دهند. گفتیم چه شده است؟ گفتند که ظاهراً نفوذ شده است. هر لحظه ممکن است کسی که در تاریکی در کنار شما است، دشمن باشد. کسی که مأمور دیدبانی شیارها بود، خوابش برده بود. خواب سنگینی هم نبود، ولی نتیجه آن نفوذ دشمن شد. با تحمل سختی‌های فراوان توانستند خط را کنترل کنند و بر آن مسلط شوند. غفلت یک دیده‌بان، کسی که مأموریت خطیر دارد و مسئولیت بزرگی

به او سپرده شده است، چنین پیامدهایی دارد. در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی نیز این قضیه صادق است. مثلاً مأموریت پدر در خانواده خیلی سنگین است؛ مخصوصاً در لحظه‌شناسی‌های تربیتی در مراقبت‌ها. جبران «سنه الغفله» در این موارد خیلی سخت است. برخی برای توجیه غفلت خود می‌گویند: «حواسم نبود». حال آنکه بزرگ‌ترین گناه برای انسان این است که بگوید حواسم نبود. یک چرت ساده، در جبهه‌ها کشته و مجروح می‌دهد، و در خانواده، یک فرزند و یک نسل را از بین می‌برد. لذا غفلت یک امر عادی نیست و اینکه به فرد بگویند: چرا این اتفاق افتاد؟ در جواب بگوید: خوابم برد یا مواردی

از این قبیل، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. و چرت سبک خسارت‌هایی را به بار می‌آورد که نمی‌شود آن را به‌آسانی

جبران کرد. یک جمله از امام سجاد (علیه السلام)

در صحیفه است که خیلی تکان‌دهنده

است. حضرت می‌فرمایند: «وَلَسْتُ

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرٍ مَّا

أَغْفَلْتُ مِنْ وَطَائِفِ فُرُوضِكَ» طرف

روضه رفته و سینه‌زنی کرده، اما نماز

که مأموریت اصلی و واجب است،

بی‌کیفیت و ضعیف است و خدایی

نخواستہ قضا شده است. امام سجاد

(علیه السلام) می‌فرماید: «وَلَسْتُ

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ» من نمی‌توانم

به دستگاه قرب و عنایت تو با نافلة

متوسل شوم، در حالی که در بسیاری از

مأموریت‌هایی که برای من به صورت

واجب قرار داده‌ای، غفلت کرده‌ام. «سنه»

۳. دشمنان همیشه بیدار

کافی است بدانیم که دشمن ما همیشه

بیدار است. سه تا دشمن داریم

که اصلاً خواب ندارند و چرت هم

نمی‌زنند و هم‌زمان مشغول عملیات

هستند. حالا تو می‌خواهی بخوابی،

بخواب! می‌خواهی خوش باشی،

خوش باش!

الف) شیطان

اما نخستین آنها، شیطان است. امام

سجاد ع در صحیفه در دعای ۲۵

می‌فرماید: «لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا» اگر ما

غافل شویم، ولی او غافل نمی‌شود.

حضرت ابتدا می‌فرماید: «أَجْرِيَّتَهُ

مَجَارِي دِمَائِنَا» مثل خون در رگ‌های ما جاری است. شیطان اصلاً توقف ندارد. و همیشه وسط میدان است و به بدی‌ها و وسوسه‌ها فرمان می‌دهد.

ج) کفار و مستکبران

وَلَا يَنْسَىٰ إِنَّ نَسِيبَنَا» اگر ما فراموش کنیم، او فراموش نمی‌کند؛ ما غفلت کنیم، او غافل نمی‌شود؛ ما بخوابیم، او نمی‌خوابد.

دشمن سوم که نمی‌خوابد، کفار و مستکبرین و دستگاه کفر و نفاق است. قرآن در این باره آیه‌ای دارد که البته درباره امور نظامی است: «وَدَّ

ب) نفس

الدِّينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً

میلۀ [۶] کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش بَرند.»

دشمن دوم که نمی‌خوابد، نفس است که درباره آن فرموده‌اند: «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» [۴] دشمن‌ترین دشمنان تو، نفس تو است که در بین دو پهلوی تو است.» قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» [۵] نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند.» نفس اصلاً خواب ندارد،

وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً

میلۀ [۶] کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش بَرند.»

کفار علاقه‌مند هستند که شما از اسلحه و امکانات خودتان غفلت کنید. «وَدَّ

یعنی حواسشان به شما است و بیدار هستند که شما بخوابید تا حساب شما را برسند. این آیه درباره نماز در صحنه

نبرد است. نماز خود را باید بخوانیم که کار خوبی است؛ اما به چه کیفیتی؟ اینجا نباید به حالت عادی نماز بخوانید. تفنگ‌های خود را باز کنید و پوتین‌های خود را دریاورید و نماز جماعت تشکیل دهید و مشغول نماز شوید. نه! در این شرایط باید نماز خوف بخوانید و در نماز خوف دو کار را هم‌زمان انجام دهید: یکی اینکه بعضی بخوانند و دسته دیگر حواسشان باشد و مواظب عملیات و موضع‌گیری دشمن باشند و از اسلحه، آب و تجهیزات‌تان چشم برندارند. حتی اگر لازم شد، در حالی که اسلحه روی دوش‌تان است، نماز بخوانید. اگر لازم شد، روی تانک نمازتان را بخوانید و از آن فاصله نگیرید؛ چراکه تا از تجهیزات و سلاح‌تان غفلت کنید، مثل باز شکاری بالای سر شما می‌آیند و پدر شما را درمی‌آورند. کفر از غفلت‌های شما استفاده می‌کند تا به شما ضربه بزند. اتاق‌های فکر شیاطین بیدار هستند و دائماً در فکر طراحی، برنامه‌ریزی، ابتکار، نوآوری و تجدید توطئه‌ها و طراحی‌ها هستند. این نکته را آیه ۱۰۲ سوره نساء در بُعد نظامی مطرح می‌کند، ولی صدها مثال دیگر در اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و تمام بخش‌ها دارد.

پس سه دشمن داریم که هم‌زمان مشغول طراحی و برنامه‌ریزی هستند، خواب ندارند و چرت نمی‌زنند و یک لحظه از طراحی علیه ما دست برنمی‌دارند.

فراموش نکنیم که «نفس اژدها است

او کی مرده است / از غم بی‌حالتی خداوند متعال چرت ندارد، چه برسد افسرده است». حتی عابدان و زاهدان نیز گرفتارش می‌شوند. اینجا جای غفلت نیست. انسان نمی‌تواند به دشمن بیدار اعتماد کند و در مقابل او بی‌بصیرتی کند و حالت چرت به خودش بگیرد.

شیطان دشمن ما است؛ چطور از او در امان هستیم. شیطان اعلام دشمنی کرده است و گفته من همه‌ی شما را به جهنم می‌برم، مگر کسی در امان است. هیچ کس در امان نیست؛ نه از نفس، نه از شیطان و نه از دشمنان بیرونی.

۴. خداوند همیشه بیدار است

خداوند بیدار است و غفلت در او راه ندارد؛ چنان‌که در آیت‌الکرسی می‌خوانیم: «لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ». از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل مپندار. جز این نیست که [کیفر] آنان را برای

روزی به تأخیر می‌اندازد که چشم‌ها و خواب‌کننده نیست.

۵. ولیّ خدا همیشه بیدار است: در آن خیره می‌شود». برخی می‌گویند:

صهیونیست‌ها و آل سعود انسان‌ها را می‌کشند، خداوند تو کجا هستی؟! خدا از کارهای ظالمان غافل نیست؛ متها به آنها وقت می‌دهد تا روز مشخصی. البته فکر نکنید که خیلی طول می‌کشد.

نکته بعدی ذیل همین عنوان است که به خودمان باید یادآوری کنیم که ولیّ خدا بیدار است؛ زیرا مظهر «عین الله» است. امام (علیه السلام) مظهر شاهد، شهید و رقیب است. این مسئله هم انذار است و هم بشارت.

این آیه انذاری است، اما جالب است که جنبه بشارت هم دارد. بشارتش این است که: «هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک/ گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک» [۸] اگر نفس، شیطان و کفار بیدار هستند، یار و صاحب من هم بیدار است. من صاحب دارم و بی‌کس و کار نیستم. این، کام انسان را شیرین می‌کند و در عین حال بیدارکننده است

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» [۹] بگو: «هر کاری می‌خواهید» بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست». به ما هشدار داده شده که خدا، رسول او و مؤمنان - که منظور از مؤمنان ائمه (علیهم السلام) هستند - اعمال ما را می‌بینند. مجلس ما، خانه‌های ما و

حتی خلوت‌های ما در محضر حضرت است.
 برخلاف توپ‌های دیگر وقتی به زمین می‌خورد، سوت نمی‌زند.

۶. عالم، عالم بیداری است

نکته بعدی اینکه به نص کلام الهی، ما در عالمی به سر می‌بریم که بیدار و زنده است. آیات قرآن به ما می‌گویند که عالم، زنده، هوشیار و

ذاکر است. عجیب، خفتن در وسط این همه غلغله است! خیلی عجیب است که وسط این همه ذکر، کسی خواب باشد و در غفلت به سربرد. از در و دیوار عالم ذکر شنیده می‌شود. در این فریادها و ذکرها، برخی خوابیده‌اند.

گاهی انسان در جایی خوابش می‌برد که خیلی تعجب آور است. در یکی از شب‌ها در جبهه، توپ‌های فرانسوی شلیک می‌کردند. توپ‌های فرانسوی

آنقدر خورده بود زمین که خاک‌های خاکریزی روی ما ریخته شده بود. وقتی که می‌خواستند ما را بیدار کنند، از زیر خاک بیرون آمدیم!

غرض آنکه از در و دیوار عالم صداها بلند است. ما واقعاً در میان منابع سرشار ذکر زندگی می‌کنیم. سیدالشهدا (علیه السلام) در دعای می‌گوید که از این آثار متنوع و گوناگون، من به سوی تو راه پیدا می‌کنم. این صداها هم سروش است، هم الهام و هم فراخوان. گاهی این سروصداها اختصاصی است. مثلاً قبر، ما را صدا می‌زند و می‌گوید: من آماده هستم، من منتظر تو هستم.

من یک وقت به دوستان می‌گفتم اگر که در سمت چپ و راست شما قرار فکر کنیم، می‌بینیم که در میان لشکر گرفته‌اند.

او هستیم؛ پس باید بترسیم.

۸. جاذبه‌های دنیوی غفلت‌زا

است

۷. محافظان همیشه بیدار

نکته هفتم اینکه محافظان ما نیز نکته بعدی اینکه دنیا خوابگاه عقل لحظه‌ای خواب ندارند. قرآن کریم می‌گوید برخی مخلوقات شب و روز در کار تسبیح هستند و خسته نمی‌شوند و

چرت نمی‌زنند. از جمله محافظان شما که دائماً نسبت به شما مراقبت دارند و کوچک‌ترین کارها و غفلت‌های شما در

محیط دید آنها است. امام سجاد (علیه السلام) یک جمله دارند در صحیفه

نور که اینها از شوق به حضرت حق، لحظه‌ای غفلت نمی‌کنند از آن وله و

اشتیاق و ذوق به پروردگار یک لحظه غافل نیستند. اینها محافظ شما هستند

از فرح و شادخواری به خدا پناه ببریم. من نمی‌دانم بعضی‌ها چطور این قدر راحت قهقهه می‌زنند و خنده‌های بلند می‌کنند! در روایت داریم که گاهی سخن خنده‌آوری پیش می‌آمد. سیره پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) این بود که تبسم می‌کردند، ولی

قهقهه نمی‌زدند. البته خود را از بقیه جدا نمی‌کردند و وقتی لطیفه‌ای مطرح می‌شد، حضرت همراهی می‌کردند؛ منتها فقط تبسم می‌کردند.

دنیای این طور است. انسان مبتلا شود، رفته است. دنیا خوابگاه عقل است. عقل فرمانده کل و دیده‌بان اصلی است. آن کسی که باید بیدار باشد، عقل است. دنیا خوابگاه عقل است. این خوابیدن‌ها، آسیب‌ها و آفت‌هایی پشت‌سرهم بر شخص وارد می‌کند. عقل بر اثر دنیاگرایی، جذب شدن به جلوه‌های دنیایی و مشغول شدن به امور دنیا، نعمت‌ها را از دست می‌دهد یا بهره‌وری‌اش از آنها کاهش می‌یابد.

۹. دوران جوانی، دوران استثنائی

همه‌ی بخش‌های عمر انسان یکسان نیست. کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و کهنسالی، هر کدام برای خود عالمی دارد. اما جوانی عالم دیگری دارد. شباهنگ [۱۰] آسمان عمر انسان، جوانی است. طراوت، صفا، قوّت فکر، جرئت ذهن، ابتکار، امکان اصلاح و... همه‌ی این چیزها مربوط به جوانی است.

یکی از بلاهایی که غفلت به سر انسان می‌آورد، این است که جوانی‌اش را از او می‌گیرد. چنین خسارتی قابل جبران نیست و یک ساعت آن را نمی‌شود جبران کرد. البته بعضی جوان‌دل هستند. قرآن درباره اصحاب کهف می‌فرماید: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ» [۱۱] آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند. در روایت است که

آنها جوان نبودند، ولی جوان‌دل بودند. نباید توقف داشته باشیم.
 جوانی که جوانی خود را در بیداری، در مورد عمر حساس باشیم.
 مراقبت و دوستی با خدا سپری کند، در مورد دنیا عبور از جلوه‌های آن،
 دوران پیری خوبی دارد. شناخت فراز و فرودهایش و مخصوصاً

۱۰. فرصت‌ها همانند ابر می‌گذرد

فرصت‌ها مانند ابر هستند. آمدن و رفتن ابر بی‌سر و صدا است. فرصت این‌گونه است. فکر می‌کنید که هنوز است، ولی چشم به هم بزنیم، می‌رود یا از دسترس ما خارج می‌شود.
 کار دائمی انسان قرار گیرد. گناه‌شناسی، مخصوصاً شناخت گناهان کبیره باید در دستور کار مطالعه باشد. در محور ذکر، نماز عشق تأثیرگذار است. در وقت خود باید آن را بخوانید تا از غافلین محسوب نشوید. چیزی در این عالم اثرش به اندازه نماز نیست.

■ نتیجه‌گیری

تأکید می‌شود که در محور علمی و فکری و شناختی، دائماً اندیشه‌های توحیدی را تقویت کنید و عقل بیدار داشته باشید. در محور ولی‌شناسی، تلاوت قرآن باید برنامه دائمی ما باشد. حداقل آن را روایت تعیین کرده که پنجاه آیه در شبانه‌روز است. توسل به اولیای الهی نیز کارگشا

است. توجه به حضرت ولی عصر (علیه السلام) غفلت را از بین می‌برد. ملاحظه کنید. حرف پایانی من این است: زندگی نعمت‌ها را یکی‌یکی نام ببرید و شکر کنید. یعنی اهل عمل و میدان شوید. کسی که روحیه جهادی دارد، به جوان‌ها توصیه می‌کنم که برای خودشان یک دوره جهان‌شناسی بگذارند و تا حد امکان از لحظه‌های جوانی استفاده کنند. در عمل ندارد. شل نباشید. سرعت و سبقت، دعوتی قرآنی است. کوشش خستگی‌ناپذیر در مقابل خواسته‌های دشمن؛ این می‌شود جهاد. زندگی جهادی زندگی بانشاط و فعال است.



بچه‌های زمان جنگ راه صدساله را یک شبه می‌رفتند؛ چون همواره به یاد مرگ بودند. با این غفلت‌هایی که من و شما داریم، به هیچ جا نمی‌رسیم.

برای آنکه مرگ را فراموش نکنید، گاهی کفن خود را باز کنید و آن را

کاروان‌کش، وراه‌نگ، شب‌کش، خُنک،
تیر و تیشتر نیز نامیده می‌شود. نام
عربی آن شعرای یمانی و نام انگلیسی
آن Sirius است.
[۱۱]. کهف: ۱۰.

منابع و مأخذ

- [۱]. اسراء: ۲۳.
- [۲]. اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰.
- [۳]. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی،
ج ۲، ص ۷۴.
- [۴]. تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس،
ج ۱، ص ۵۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار
الأنوار، ج ۶۷، ص ۶۴.
- [۵]. یوسف: ۵۳.
- [۶]. نساء: ۱۰۲.
- [۷]. ابراهیم: ۴۲.
- [۸]. غزلیات حافظ، غزل شماره ۳۰۰.
- [۹]. توبه: ۱۰۵.
- [۱۰]. شباهنگ یا شعرای یمانی
درخشان‌ترین ستاره‌ی آسمان شب
است. این ستاره در پارسی با نام‌های





افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(سه‌شنبه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی **شهادی** هفتم تیر